

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و دوم

زمستان ۱۴۰۱

بررسی تأثیر مبانی فکری انجمن حجّتیّه بر برداشت آنان از قیام عاشورا؛

مطالعه موردی کتاب رمز عاشورا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۲/۱۲

حمیدرضا مطهری^۱

قاسم جلائی^۲

قیام عاشورا از دیرباز در میان مکاتب مختلف شیعی، محور مباحثات علمی بوده است. آثار پدیدآمده در این زمینه، بازتاب‌دهنده مبانی فکری و باورهای پدیدآورندگان این آثار است. پژوهش حاضر، با هدف شناخت میزان اثرگذاری مبانی فکری انجمن حجّتیّه بر برداشت آنان از قیام کربلا، بر پایه کتاب رمز عاشورا - اثری متناسب به این گروه - صورت گرفته است. نتایج این تحقیق که به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر پایه نظام‌های تولید معرفت برآمده از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مورد پذیرش انجمن انجام گرفته، نشان می‌دهد که انجمن حجّتیّه شناخت و تبیین قیام عاشورا را به طور مطلق از دایره علوم عادی بشری خارج نموده و راهی جز پذیرش تعبدی این بخش از زندگی سیدالشهدا علیه السلام برای رسیدن به شناخت ابعاد گوناگون نهضت آن حضرت پیشنهاد نمی‌دهد.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: (h.motahari@isca.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، قم (نویسنده مسئول): (ghasemjalae@gmail.com).

کلیدواژگان: مبانی تاریخ‌نگاری، عاشوراپژوهی، انجمن حجّتیّه، کتاب رمز عاشورا، نقد تاریخی.

مقدمه

در میان وقایع تاریخ اسلام، کمتر حادثه‌ای به عظمت و اثرگذاری قیام عاشورا می‌توان یافت که این‌گونه نظر مورخان و دانشمندان علم کلام را به خود جلب کرده باشد. تعامل کلام و دانش تاریخ یک واقعیت انکارناپذیر است و تأثیر و تأثر آن دو را می‌توان در حوزه‌های مختلف مشاهده کرد. بخش عمده علم کلام بر پایه استدلال‌های عقلی شکل می‌گیرد اما بخش دیگری از آن که به نقل وابسته است نیازمند گزارش‌هایی تاریخی است.^۱ این مهم در برخی رخدادها مانند واقعه عاشورا و تحلیل افراد درباره آن نقش کم نظیری دارد.

بحث و گفت‌وگو درباره قیام کربلا در میان مکاتب مختلف شیعی به ویژه در نیم‌قرن اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رونق فراوان یافته و آثار زیادی در این باره به نگارش درآمده است. گروهی قیام امام علیه السلام را دارای هویتی عقلانی دانسته، تشکیل حکومت را هدف اصلی ایشان می‌دانند. در مقابل، گروه دیگری در سایه تعبد به شهادت، تکلیف ویژه، شهادت سیاسی و شهادت فدیه‌ای، به ماهیت قیام امام علیه السلام هویتی روحانی و خارج از فهم بشری بخشیده‌اند. اما گروه دیگر با ترکیب دو نظریه شهادت‌طلبی و حکومت‌طلبی، نظریه خویش با عنوان «حکومت - شهادت» را چنین تقریر کرده‌اند که امام حسین علیه السلام علم به زمان شهادتش داشت ولی قصد شهادت نداشت، بلکه نیت ایشان تشکیل حکومت بود.^۲ در تاریخ معاصر، انجمن

۱. ر.ک. صادقی، مصطفی، درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۲۲.

۲. اسفندیاری، عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین علیه السلام، ص ۱۶.

حجتیه به عنوان یک جریان اثرگذار و با عنایت به بن‌مایه‌های فکری خویش در تحلیل و شناسایی درون‌مایه مسأله قیام امام حسین علیه السلام به طرح مسأله پرداخته است. قابل ذکر است که نگاه این تفکر به تحلیل چرایی حادثه کربلا است. فهم‌پذیری یا عدم فهم ماهیت قیام عاشورا، آثار و برکات قیام امام حسین علیه السلام و بررسی گزارش‌های تاریخی مورد استناد، مباحثی از نگاه انجمن حجتیه به قیام عاشورا است که تا کنون در باب آن گفت‌وگو شده است.^۱ اما بررسی میزان اثرگذاری مبانی فکری انجمن بر برداشت آنان از واقعه کربلا، از متغیرهای مهم در نگاه انجمن حجتیه به قیام عاشورا است که جست‌وجوها نشان می‌دهد تا کنون درباره آن پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است با ترسیم نظام‌های تولید معرفت انجمن حجتیه در ذیل هستی‌شناسی موضوع و مبانی معرفت‌شناسی انجمن، به میزان اثرگذاری مبانی فکری انجمن حجتیه در برداشت آنان از چرایی قیام عاشورا پاسخ دهد.

مفهوم‌شناسی

انجمن حجتیه

انجمن حجتیه پس از ملی شدن صنعت نفت و قبل از کودتای ۲۸ مرداد، در سال ۱۳۳۱ شمسی با نام «انجمن ضد بهائیت» آغاز به کار کرد؛ اما به شکل سازمان یافته، پس از کودتای ۱۳۳۲ با هدف دفاع از تشیع در برابر بهائیت ایجاد شد. شیخ محمد حلبی (۱۳۷۶) از بنیان‌گذاران این سازمان، از اساتید حوزه علمیه مشهد بود که پس از کودتای ۱۳۳۲ سیاست را کنار گذاشت.^۲ از اصول انجمن حجتیه می‌توان به عدم تشکیل حکومت در

۱. کاشانی، «عاشورا شناسی»، ۱۳۹۷، <http://www.hkashani.com/?cat=1962>.

۲. علیان‌سب، جریان‌شناسی انجمن حجتیه، ص ۱۳-۱۸.

عصر غیبت امام زمان (عج)، عدم دخالت در امور سیاسی، مبارزه علمی به جای مبارزه عملی و اندیشه مهدوی معطوف به انتظار نام برد.^۱

کتاب رمز عاشورا

این کتاب اثر سید محمد بنی‌هاشمی است و به گفته نویسنده به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی درباره حرکت امام حسین علیه السلام و ارائه تحلیل صحیح از آن است. نویسنده، کتاب خود را در پنج فصل ارائه و تلاش کرده تا حرکت امام را با علم به جزئیات شهادت تبیین کرده، آن را بر مبنای مشیت الهی معرفی کند. این کتاب مجموعه‌ای از درس‌گفتارهای وی تحت عنوان «مبانی امامت شیعه» است که به همت سعید مقدس گردآوری شده است. «بزنگاه شکست تحلیل‌های بشری»، «صبغه غیبی و الهی حرکت حسینی»، «مشیت الهی: کشته دیدن امام حسین»، «سیدالشهدا قتل‌بندگی خدا»، «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» از عناوین فصل‌های کتاب است. وی شهادت امام را با رضایت کامل ایشان، پیامبر و حضرت زهرا علیها السلام معرفی کرده، عقل بشری را از درک و تحلیل آن عاجز می‌داند. نویسنده معتقد است جنبه الهی و بشری امامان معصوم باید از یک‌دیگر تفکیک شود و این دو جنبه نباید با هم خلط شوند. به اعتقاد نویسنده این نکته نقش مهمی در معرفت صحیح نسبت به حضرات معصومین و تحلیل و تفسیر حرکت ایشان دارد. این نکته مهم‌ترین محور بحث این کتاب است و بر اساس آن معتقد است که در حرکت حضرت سیدالشهدا علیه السلام رمز و رازی نهفته است که با علوم عادی بشری قابل کشف نیست و این جنبه از سیره ایشان را فقط باید تعبدی پذیرفت.^۲

۱. نوری، جریان‌شناسی فکری - فرهنگی انجمن حجّتیّه در ایران معاصر، ص ۴۱-۷۱.

۲. بنی‌هاشمی، رمز عاشورا درس بندگی از سیرت حسینی علیه السلام، ص ۱۵.

نظام تولید معرفت انجمن حجتیه

در بررسی دستگاه فکری انجمن حجتیه این نکته نباید فراموش شود که شیخ محمود حلبی بنیان‌گذار این انجمن، به تقریر و بازنمود اندیشه‌های استاد خویش آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۶۵ق) از بنیان‌گذاران مکتب تفکیک، همت فراوان داشته است. بنابراین ماهیت فکری انجمن حجتیه در مباحث عقلی و نقلی، به نحوی برگرفته از مکتب تفکیک است.^۱ نکته دیگر این که انجمن حجتیه از وجود بزرگان و علمایی که در مبانی فکری و اعتقادی، صاحب ایده و نظر باشند فقیر بود چنان که همه اعضای انجمن حجتیه، مروج و مبلغ عقاید و تفکرات حلبی بودند. بنابراین در بررسی مبانی فکری انجمن حجتیه، توجه و تعمق در عقاید و تفکرات شیخ محمود حلبی اجتناب‌ناپذیر است.^۲ در واقع مشاهده انجمن حجتیه در قالب چنین ساختار اندیشه‌ای که هدایتگر مبانی فکری انجمن است، در فهم هستی‌شناسی موضوع انجمن حجتیه کمک شایانی می‌نماید. دو اثر *تقریرات میرزا مهدی اصفهانی و معارف الهیه* بر جای مانده از شیخ محمود حلبی که در شرح و تبیین عقاید تفکیک است خود مؤید مدعاست.^۳ از سوی دیگر، رابطه انجمن حجتیه و مکتب تفکیک، عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر انجمنی، مکتب تفکیکی نیز هست اما هر اهل تفکیکی در دایره انجمن حجتیه قرار نمی‌گیرد.^۴

از منظر انجمن حجتیه، به تاسی از مکتب تفکیک، معارف و شناخت‌ها بر دو بخشند: خالص و ناب و آمیخته و ممزوج. این جریان معتقد است شناخت صحیح و نهایی، تنها و

۱. ارشادی‌نیا، *از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک*، ص ۲۱.

۲. نوری، *جریان‌شناسی فکری - فرهنگی انجمن حجتیه در ایران معاصر*، ص ۱۶.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. اکبری آهنگر، *حقایق پیرامون انجمن حجتیه*، ص ۲۰۵.

تنها از راه وحی و بدون اختلاط با هیچ اندیشه و الگوی معرفتی دیگر به دست می‌آید و کلام آخر را در زمینه معارف و شناخت، وحی بیان می‌نماید.^۱

یک. منابع کسب معرفت

اساس شناخت صحیح دین بر دو پایه استناد و تعقل استوار است. لذا انجمن حجّتیّه در تلاش است تعریف خاص خویش را برای رسیدن به مقاصد معرفت‌شناسی بر آن دو مفهوم تحمیل نماید.

استناد

انجمن حجّتیّه تنها منبع صحیح قابل استناد را کتاب و سنت می‌داند. صالحی آذری در باب انگیزه تشکیل انجمن بر این امر تأکید دارد: «این انجمن با اعتقاد راسخ اعضا بر درستی مشی فقاهتی (کتاب و سنت) همراه شد...»^۲. لذا استناد به ظواهر کتاب و سنت و خبر واحد در بخش احکام فقهی و در بخش معارف و اعتقادات است. از این رو در زمینه فهم دین، فهم و معرفتی را که به ظاهر آیات و روایات نباشد، فهم حقیقی صحیح و معتبر نمی‌دانند.^۳ در انجمن حجّتیّه تمسک به ظهور اخبار و احادیث، اصلی بنیادین است. سید محمد هاشمی در کتاب خویش بر این اصل توجه دارد و نقل‌گرایی در روش را با تمسک به ادله کتاب و سنت و تبعیت از فقیه جامع‌الشرایط مورد تأکید قرار می‌دهد^۴ و در تلاش است این کلیدواژه را در تمام سطوح اثر خویش نمایان کند.

۱. مرتضوی، علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک، ص ۳۳.

۲. صالحی آذری، جزوه انجمن خیریه یکتا مهدویه، ص ۱.

۳. مرتضوی، علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک، ص ۱۵.

۴. بنی‌هاشمی، رمز عاشورا، ص ۱۲۳.

تعقل

روی دیگر شناخت صحیح از دین، عقل است. از نگاه انجمن، عقل حقیقی به لحاظ هستی‌شناسی موجود نوری مجرد خارجی و قائم به ذات است، نه قائم به نفس انسان^۱ و چون حقیقت عقل چیزی است که از خارج بر انسان اثر می‌کند و در حیطه وجودی نفس قرار نمی‌گیرد، نباید آن را با مفهومات ذهنی یا همان عقل اصطلاحی اشتباه گرفت. بنابراین با چنین تعریفی از عقل، اعمال هر نوع قیاسی در اصول و فروع دین، کاری زشت و پلید و از اعمال شیطان به حساب می‌آید.^۲ با این احتساب دیگر جایی برای گزاره‌های فلسفی و عرفانی باقی نخواهد ماند و همان راه رجوع به ظواهر آیات و روایات با استثناء از عقل نوری و تنبه و تذکر به فطرت الهی به عنوان یگانه راه تلقی معارف تثبیت می‌شود.^۳

انجمن حجتیه با پذیرش نظریات شیخ محمود حلبی که متأثر از استاد خود میرزا مهدی اصفهانی بود، با اتخاذ این نظریه که موضوع و معانی الفاظ، حقایق خارجی و عینی‌اند نه مفاهیم ذهنی، بر تمایز علوم الهی از علوم بشری استدلال نموده است.

خداوند همه ارکان معارف خود را، اعم از معرفت الله، معرفت عقل و علم، وجود و انبیا و هر آنچه معاش و معاد بشر به آن بستگی دارد بر امری قرار داده است که فطری همه انسان‌هاست. یکی از امور فطری این است که الفاظ اشاره به نفس حقایق خارجی دارد و خداوند از همین مجرای فطری در کشف و ابزار مراد

۱. اصفهانی، ابواب الهدی، ص ۲۶۷؛ حلبی، التوحید والعدل، ص ۴.

۲. رحیمیان، مسأله قیاس؛ تحلیل کاربرد قیاس در اصول و فروع دین، ص ۵۵.

۳. یزدانی و کریمی لاسکی، «تحلیل انتقادی دیدگاه مکتب تفکیک در مورد رهیافت عقل‌گرایانه

فلسفی به دین»، ادیان و عرفان، ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۷-۲۲.

کلام خود و انبیایش استفاده نموده است.^۱

این سخن شیخ محمود حلبی:

باید انسان به موجب روایات بسیاری به خدا و رسول و اهل بیت او پناه برد
 هنگامی که به روش‌های نظری و یا عملی خصوصاً در باب معارف الهی وارد
 می‌شود زیرا شیطان تحول و بزرگان انسان را زمین زده است ... هشیار باش ای
 خردمند! که جمیع آنچه فلاسفه معتقدند با جمیع آنچه در شریعت وارد شده
 مناقض است.^۲

حکایت از اعتقاد آنان به استقلال و غنای معارف قرآن و اهل بیت و نیامیختن آن‌ها با
 علوم بشری دارد. در نتیجه، پذیرش علوم بشری یعنی تأویل متون دینی، کاری بس
 ناهنجار و زیان‌بار است که استقلال مبانی و حیانی را نابود می‌سازد و سطح رفیع
 آن‌ها را تنزل می‌دهد.^۳ در این نگاه، علم به تأویل قرآن تنها از طریق فراگیری از
 رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام امکان‌پذیر است و اساساً تأویل قرآن از شئون معصومان
 خواهد بود.^۴

این بیان صریح شیخ محمد حلبی:

بزرگان بشری به این دلیل که سایر ابواب را به روی خود نبستند و جز از
 باب‌الله و باب انبیا وارد نشده و به انبیا مراجعه نکردند، به مطالبی لب‌گشودند

۱. اصفهانی، ابواب الهدی، ص ۲۶۵.

۲. حلبی، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، ص ۱۸۳، ۱۹۹.

۳. حلبی، التوحید والعدل، ص ۶۵.

۴. یزدانی و کریمی لاسکی، «تحلیل انتقادی دیدگاه مکتب تفکیک در مورد رهیافت عقل‌گرایانه
 فلسفی به دین»، ادیان و عرفان، ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۳۰.

که جز سفاها و مجانین چنان نمی‌گویند.^۱

بیانگر نتیجه‌ای است که این دیدگاه به آن نایل می‌شود: نفی کلی علوم بشری و صرفاً بسنده کردن به این توصیه که روش دینی با روش فلسفی و عرفانی کاملاً مغایر است؛ لذا قائل به تفکیک آنان از علوم الهی است. در نهایت، فراگیری علوم بشری را مانع و حجاب معرفت بیان می‌کنند.^۲

بر این اساس، معارف یا بشری‌اند و یا الهی و چون از حیث مبنا، اساس و سنخ متباینند پس ناگزیر در محتوا و نتایج متباینند. در نتیجه، این تباین کلی سبب تغایر در منبع، روش و نتایج می‌شود. بر همین مبنا، کسب معرفت صرفاً با مراجعه به منبع وحیانی حاصل می‌گردد و منابع و روش‌های دیگر در دریافت معرفت، ناکارآمد، بیهوده و حتی مضر است.^۳

بانیان این اندیشه با تاسی به مکتب تفکیک در سنجش معارف دینی، علوم بشری را معرفت‌زا نمی‌دانند. لذا محمد هاشمی با تفکیک جنبه الهی و بشری در امامان معصوم و لزوم خلط نکردن احکام این دو، جنبه فهم ماهیت قیام سیدالشهدا علیه السلام را دست نیافتنی می‌داند و معتقد است که این جنبه از سیره ایشان را فقط باید تعبدی پذیرفت.^۴ وجود چنین پیش‌فرضی سبب می‌شود انجمن حجتیه تبیین هدف قیام عاشورا را به طور مطلق از دایره علوم عادی بشری خارج نموده، تلاش خویش را معطوف به عدم سنجش‌پذیری

۱. حلبی، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، ص ۱۲-۱۳.

۲. حلبی، التوحید والعدل، ص ۴، ۹.

۳. دانش شهرکی و یعقوبی، «عقل از دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی و محمدرضا حکیمی»، عقل و

دین، ش ۱۶، ص ۵۵-۷۶.

۴. بنی‌هاشمی، رمز عاشورا، ص ۱۵.

هدف قیام کربلا در علوم بشری قرار بدهد. در همین رابطه سید محمد هاشمی فصل مستقلی را با عنوان «بزنگاه شکست تحلیل‌های بشری» تدوین نموده است.^۱ او در یکی از عناوین این فصل، از ناهمخوانی حرکت سیدالشهدا علیه السلام با حساب و کتاب‌های بشری سخن گفته است.^۲ این نویسنده در هر جا از کتاب که فرصتی دست داده، به این موضوع اشاره دارد. تخییر سیدالشهدا علیه السلام در وفای به عهد الهی که همان قدم در راه شهادت بود و انتخاب لقاءالله به جای نصرت خدا، از موارد شکست تحلیل‌های بشری عنوان شده است.^۳ در جایی دیگر، با شیوه‌ای متفاوت، مبنای تباین علوم الهی و علوم بشری را زیر بنای نظریات خویش قرار داده است. هاشمی با تأکید بر عدم سیاست‌ورزی امام حسین، مسیر را برای پذیرش جدایی دین از سیاست و در نتیجه عدم الگو بودن حرکت سیدالشهدا هموار کرده است.^۴ او در این باره اذعان می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر در سیره هر امامی وجود داشته اما چگونگی و حدود آن را به امر خداوند موکول کرده و آن را درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام به شکل «خرج بقوم الی الشهادة» و متفاوت با امامان پیش از آن حضرت و امامان بعدی دانسته و معتقد است امامان بعدی مأمور بودند که به صورت علنی و آشکار با غاصبان خلافت مخالفت نکنند و به نهی از منکر فقط در مراحل پایین‌تر آن عمل کنند. بر این اساس او معتقد است که انسان نمی‌تواند برای امر به معروف در زمان خود، یک امام خاص را الگوی خود قرار دهد.^۵ وی در جای دیگر و تحت

۱. همان، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۸۵.

۴. همان، ص ۴۴.

۵. همان، ص ۱۲۲.

عنوان «تکلیف امام مانند ما نیست» تفاوت تکلیف امام با دیگران را علم امام به وقایع دانسته^۱ و نهایتاً اشاره می‌کند که ما نمی‌توانیم همان تحلیل‌هایی را که در کارهای عادی بشری خود ارائه می‌کنیم به کارهای ائمه نیز سرایت دهیم.^۲ در نتیجه از سیره معصومان هیچ دستورالعمل کلی قابل استنتاج نیست، زیرا بر فلسفه و علت نوع عملکرد ائمه احاطه نداریم. او حتی سخن امام حسین علیه السلام در بیان علت حرکت خود را متناسب با فهم مخاطبان و ناصحان دانسته، می‌گوید نمی‌توانیم از این کلمات همه مطلب و حکمت حرکت ایشان را بیرون بکشیم. بدین سبب، چنین تصویری اشتباه است که از روی فرمایش‌های حضرت بتوانیم به رمز حرکت ایشان پی ببریم.^۳

مطلب دیگر این که صرف تفکیک جنبه الهی و بشری معصومان، پاک کردن صورت مسأله است زیرا هیچ حد و مرز روشی مشخصی برای فهم سیره معصومان روشن نیست. در نتیجه هر برداشتی که خلاف این مبنا باشد با تیغ جنبه الهی به مسلخ خواهد رفت. سید محمد هاشمی در نقد علوم بشری علاوه بر نگاه روش‌شناسانه، از نگاه محتوایی و موردی هم بهره برده است. یعنی او همان طور که به روش و ماهیت فکر علوم بشری توجه می‌کند از بیان موارد اختلافی ما بین محصولات بشری و معارفی هم غفلت نمی‌ورزد. اساساً شیوه نقد او برگرفته از شیخ محمود حلبی یعنی همان شیوه معکوس است.^۴ ابتدا مفاسد ناشی از التزام به گزاره‌های علوم بشری در تأویل، و تناقض به وجود آمده از آن ملاحظه می‌شود. سپس بنیان روش‌شناسی علوم بشری مورد حمله قرار

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. حلبی، *تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی*، ص ۱۴-۱۵، ۱۱۵، ۱۱۸.

می‌گیرد و اشکال در محتوا، دلیل طرد روش می‌شود.^۱ هاشمی در کتاب *رمز عاشورا* با پرداختن به سؤالات بنیادین از این قبیل که آیا دعوت کوفیان تأثیری در حرکت امام حسین از مکه داشت؟ و این سؤال که آیا پاسخ به این دعوت بر امام واجب بود؟^۲ در تلاش است رد پای تأویل و اختلاف حاصل از آن را روشن کند و در نتیجه این بحث می‌گوید:

حرکت آن حضرت نه به قصد به دست آوردن پیروزی در میدان سیاست بوده و نه لزومی داشته که به هدف اتمام حجت به سمت کوفه حرکت کنند. به این ترتیب باید برای این حرکت علتی دیگر جست‌وجو کرد که فراتر از حساب و کتاب‌های عادی و بشری خواهد بود.^۳

در حقیقت بنیان روش‌شناسی علوم بشری را از طریق اشکال به محتوا مورد حمله قرار می‌دهد. به این معنا که وقتی در بیان چرایی قیام امام، این همه اختلاف فهم وجود دارد، به تبع آن، اعتبار روش فهم نیز دچار اشکال است. البته به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که چگونه اختلاف رأی، دلیل بطلان همه روش‌های فهم است.

علم امام به تفصیل مرگ و شهادت نیز یکی از مباحث مورد توجه او است؛ مطلبی که خود میدان اختلاف در میان علما شیعه است. محمد هاشمی درباره علم قطعی امام حسین به زمان و تفصیل شهادتشان، با استناد به سخن علامه مجلسی (۱۱۱۰ق)، می‌گوید: حضرت، خیانت اهل عراق و اتفاقات پس از آن را می‌دانستند.^۴ این در حالی است که شیخ

۱. یزدانی و کریمی لاسکی، «تحلیل انتقادی دیدگاه مکتب تفکیک در مورد رهیافت عقل‌گرایانه

فلسفی به دین»، ادیان و عرفان، ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۳۰.

۲. بنی‌هاشمی، *رمز عاشورا*، ص ۱۹-۲۵.

۳. همان، ص ۵۰.

۴. همان، ص ۵۴.

مفید (۴۱۳ق) این تفصیل را برای علم امام قائل نیست^۱ و با صراحت از عدم قطعیت خود در این باره سخن می‌گوید:

فأما علم الحسين (ع) بأن أهل الكوفة خاذلوه فلسنا نقطع على ذلك إذ لا حجة عليه من عقل ولا سمع.^۲

در نتیجه جناب هاشمی هم در دام اختلاف آرا گرفتار شده است. او برای رهایی از این مشکل در صدد توجیه برآمده و به این مطلب تمسک جسته که اگر امام می‌خواست، می‌توانست بداند و ذیل عنوان «تعلیم الهی بسته به خواست امام» به این نکته می‌پردازد که ائمه هر گاه بخواهند می‌توانند بدانند. وی در ادامه می‌گوید: «این قاعده کلی راجع به علم امام است و در مورد علم امام به تفصیل مرگ نیز صدق می‌کند».^۳

از دیگر مباحثی که ریشه در عدم توانایی علوم بشری در معرفت به هدف قیام کربلا دارد، بحث آثار و برکات سیدالشهدا و لزوم خلط نشدن آن‌ها با علت آن است. از این روی با تفکیک میان فواید و علت، هر آنچه را که بشر به آن می‌رسد در ردیف فواید ذکر می‌کند^۴ تا از این مسیر، عدم فهم علت حرکت امام حسین (علیه السلام) را به اثبات برساند. هاشمی برای مستدل کردن مدعای خویش، معرفت به علت غیبت امام زمان (عج) و فلسفه حرکت امام حسین (علیه السلام) را در دو کفه ترازوی قیاس قرار می‌دهد. وی با استناد به این که یکی از نتایج غیبت امام عصر (عج) این است که بیعت طاغوتی بر گردن ایشان نباشد، مباحث مطرح شده در حکمت‌های غیبت امام عصر (عج) را در حکمت‌های حرکت سیدالشهدا (علیه السلام)

۱. مشکى، «بررسی علم امام از دیدگاه شیخ مفید»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۳۸۹، ش ۱ و ۲، ص ۳۰۱-۳۲۱.

۲. مفید، المسائل العکبریة، ص ۷۱.

۳. بنی‌هاشمی، همان، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۱۰۴.

جاری می‌داند. لذا با بیان این که علت غیبت در هنگام ظهور روشن می‌شود، فهم بشر را تنها در دایره آثار و فواید می‌داند؛ و در نتیجه سخن از عدم فهم فلسفه حرکت سیدالشهدا علیه السلام به میان می‌آورد. وی روایتی ذکر می‌کند مبنی بر این که مطلبی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد که در آن از طریق چند انگشتر، سفارش‌هایی برای جانشینان آن حضرت بیان شده بود که هر یک با باز کردن انگشتر خویش به آنچه در آن نوشته شده بود عمل کردند؛ امام حسین علیه السلام هم خاتم خود را باز کردند و در آن نوشته شده بود: همراه گروهی به سوی شهادت خارج شو که آن‌ها جز به همراه تو شهید نمی‌شوند و خودت را به خدای عزوجل بفروش. امام حسین علیه السلام هم همین کار را کرد.^۱ بنابراین، علت قیام سیدالشهدا علیه السلام را دستور الهی می‌داند. او در ادامه در ذیل بحث عهد الهی با سیدالشهدا علیه السلام، عدم بیعت با طاغوت را اثر حرکت امام علیه السلام می‌داند.^۲ از سویی هاشمی با استفاده از کلیدواژه هدف و فلسفه نهایی حرکت سیدالشهدا علیه السلام، در تلاش است هر ادعایی در باب معرفت به حرکت امام علیه السلام را در حصر حکمت‌ها و فواید قیام قرار دهد. هر چند وی تلاشی برای تمایز میان حکمت‌ها و آثار قیام عاشورا نمی‌کند و حتی با ارائه مباحث در ادامه یک‌دیگر، به نوعی همسانی در بیان علل و آثار دیده می‌شود.^۳ هاشمی با استناد به سخنان امام حسین علیه السلام، آثار و فواید حرکت ایشان را اتمام حجت و گزینش راه سعادت یا شقاوت از سوی مردم، آزمون مردم و پناه‌بخشی شیعیان، نجات بندگان از جهالت، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح‌طلبی و فرار از بیعت با ذلت بیان می‌کند. در نهایت حرکت امام علیه السلام را در جهت کسب رضایت خدا و بندگی خدا می‌داند.^۴

۱. همان، ص ۶۱.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. همان، ۱۰۴-۱۰۸.

۴. همان، ص ۱۰۵-۱۲۳.

دو. پیدایش معرفت

انجمن حجتیه با ارائه تصویر انحصاری برای عقل، زمینه تحلیل کیفیت و پیدایش معرفت و منابع آن را مبتنی بر معرفت فطری فراهم می‌نماید. بیان شیخ محمود حلبی در باب معرفت به خداوند چنین است:

پیغمبر (ص) به منبر مبارک در حضور بسیاری فرموده‌اند: *إِنَّ اللَّهَ تَجَلَّى*
لعباده و ظهر؛ معنی تجلّی خداوند این است که خداوند ضروری المعرفة و
فطری المعرفة است و نیازمند به اکتساب نیست زیرا تجلّی با کسب متنافی
است.^۱

این سخن بیانگر آن است که معرفت فطری، معرفتی است که از جانب خداوند به انسان داده می‌شود و از محدوده اندیشه بشری خارج است. در نظر انجمنی‌ها این نوع از معرفت، اصل و اساس است.^۲ البته شیخ محمد حلبی از نوع دیگری از معرفت به نام معرفت ترکیبی نام می‌برد اما از این مهم نباید غفلت ورزید که در هر دو نوع معرفت، خدامحوری کلیدواژه اصلی برای رسیدن به شناخت است^۳ و رهیافت معرفت فطری انحصاراً از میدان ظهور عادة الله و تفضل بلا حساب الهی گذر می‌نماید. به عبارت دیگر هیچ چیز دیگری در دریافت معرفت فطری، ذره‌ای نقش ندارد و خداوند به هر کس که بخواهد تفضل می‌کند.^۴

۱. حلبی، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، ص ۲۵.

۲. همان؛ حلبی، التوحید والعدل، ص ۴۲.

۳. حلبی، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، ص ۳۰.

۴. حلبی، التوحید والعدل، ص ۴۵.

انجمنی‌ها در مسیر پیدایش معرفت دو اصل وجدان شدن و تعبد و تسلیم مطلق را اساس مبانی فکری خویش قرار می‌دهند.

وجدان همان مرحله‌ای است که با خالی شدن از تصورات فکری و تعلقات ذهنی، انسان را برای دریافت معارف واجد شرایط می‌کند.^۱ در حقیقت، وجدان شدن مرز حقیقی اختیار انسان است. در همین رابطه شیخ محمود حلبی حدود و ثغور اختیار انسان را در تخلیه ذهن از نوع معارف بشری ترسیم می‌نماید.^۲

در نتیجه، نقش انسان در ساختار دریافت معرفت به دو صورت انفعالی و فعال قابل تقسیم است. هر چند وجه فعال آن بسیار متزلزل است که منحصر در رفع موانع و حجاب‌هاست. وجه انفعالی آن تسلیم و تعبد است که نقش اصیل را در پدید آوردن معرفت از جانب انسان ایفا می‌نماید. آنچه مربوط به انسان است پذیرش و قبول فعلیت و تأثیر الهی است.^۳ به عبارت دیگر تنها نقشی که انسان در پدید آوردن معرفت دارد تسلیم اختیاری او است.^۴

از آن جا که انجمنی‌ها در چارچوب مبانی فکری خود، تنها راه دست‌یابی به معرفت را تسلیم و تعبد و پاک کردن ذهن از هر گونه پیش فهم بیان می‌کنند، یکی از راه‌های مهم فهم دقیق قیام عاشورا را پذیرش تعبدی جنبه الهی امام حسین علیه السلام بیان می‌نمایند.^۵ هاشمی با استناد به دستور ویژه به امام حسین علیه السلام و مخیر بودن ایشان در امر شهادت، به

۱. همان، ص ۲۴، ۲۶؛ همو، معارف الهیه، ص ۸۰۸-۸۰۹.

۲. همو، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۳۰؛ همو، التوحید والعدل، ص ۴۵.

۴. همو، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، ص ۱۹۶.

۵. بنی هاشمی، رمز عاشورا، ص ۱۵.

عنوان معیارهای الهی در تحلیل حرکت امام علیه السلام، هر گونه تحلیل درباره قیام عاشورا را که صرفاً با ادله نقلی و پیش فرض‌هایی بدون توجه به این معیارها باشد، خودساخته و به دور از حقیقت می‌داند. وی ارائه این معیارها را برای هر فردی ممکن نمی‌داند، بلکه معتقد است افراد خاص مورد توجه اهل بیت علیهم السلام آن را دریافت می‌کنند. در نتیجه فهم فلسفه قیام عاشورا در دایره خاصان الهی امکان دارد و تنها راه دستیابی به آن، قرار گرفتن در مسیر نسیم روایات اهل بیت علیهم السلام و افاضه معرفت در سایه بندگی خداوند است.^۱ از این رو تنها روش برای فهم چرایی قیام کربلا، تسلیم اختیاری است. برای این که خداوند معرفت را افاضه نماید، علاوه بر تسلیم، ذهن نیز باید از هر گونه پیش فهم خالی باشد که این نکته نه تنها دشوار، بلکه نزدیک به محال است. در نتیجه، پذیرش تبدی جنبه الهی امام علیه السلام هم منتج به عدم فهم بشری از ماهیت قیام کربلا خواهد شد. از سویی دیگر چون دریافت معرفت بر مبنای خدامحوری محض است و خداوند به هر کس که بخواهد افاضه می‌نماید، راه ادعا برای دریافت معرفت به قیام کربلا را بر هر کسی می‌گشاید و از طرف دیگر نظر عالمان دین نیز ممکن است با چوب وجود پیش فرض‌های ذهنی رانده شود.

در نهایت گزاره‌های انجمن حجتیه در عدم توانایی معرفت به هدف قیام کربلا سبب می‌شود این جنبه از زندگی سیدالشهدا بر ما پوشیده باشد و تنها نیل به شهادت است که اختلافی در آن نیست. از سویی، سیدالشهدا در تلاش بوده به بالاترین درجه معرفت که همان بندگی خداوند است، در سایه عهد و پیمان ویژه با پروردگار نائل شود. لذا شهادت حضرت در مسیر یک تکلیف خاص به عینیت رسیده است. بنابراین انجمن حجتیه در مواجهه با قیام عاشورا، ترکیبی از دو نظریه شهادت عرفانی (تعبد به شهادت) - شهادت تکلیفی (تکلیف ویژه امام) را مطرح کرده‌اند.^۲

۱. همان، ۱۴۵-۱۴۶.

۲. همان، ص ۸۷-۱۴۰.

نتیجه

برآیند سخن آن که مبانی فکری انجمن حجّتیّه در برداشت آنان از قیام عاشورا اثرگذار است. بنیان این اندیشه با تأسی از مکتب تفکیک در سنجش معارف دینی، علوم بشری را معرفت‌زا نمی‌دانند و تنها راه دستیابی به معرفت را تسلیم و تعبد و پاک کردن ذهن از هر گونه پیش‌فهم و تصور بیان می‌کنند. لذا محمد هاشمی با تفکیک جنبه الهی و بشری در امامان معصوم و لزوم خلط نکردن احکام این دو، جنبه فهم ماهیت قیام سیدالشهدا علیه السلام را در سایه عدم معرفت‌زایی علوم بشری، دست‌نیافتنی می‌داند و پذیرش تعبدی این جنبه از زندگی امام علیه السلام را عین معرفت می‌پندارد. او اختلاف فهم صاحب‌نظران درباره چرایی قیام امام علیه السلام را ناشی از عدم اعتبار روش فهم بیان می‌کند.

تأکید بر عدم سیاست‌ورزی امام حسین علیه السلام، مسیری برای پذیرش جدایی دین از سیاست و عدم الگو بودن حرکت سیدالشهدا ارائه کرده است. چگونگی امر به معروف و نهی از منکر در سیره امامان و حدود آن، به امر خداوند موکول گردیده که درباره امام حسین علیه السلام به شکل «أُخْرِجْ بِقَوْمِ إِلَى الشَّهَادَةِ» و متفاوت با امامان پیش و بعد از آن حضرت جلوه کرده است.

عدم فهم علت رفتار ائمه علیهم السلام و نادرست بودن سرایت تحلیل‌های بشری به کارهای ائمه علیهم السلام از دیگر ادعاهای نویسنده کتاب است که بر اساس آن نتیجه می‌گیرد که از سیره معصومان، هیچ دستورالعمل کلی قابل استنتاج نیست. حتی فهمیدن رمز حرکت امام حسین علیه السلام را از سخن آن حضرت نادرست دانسته و کلمات امام در بیان علت حرکت خود را متناسب با فهم مخاطبان و ناصحان دانسته، می‌گوید نمی‌توانیم از این کلمات همه مطلب و حکمت حرکت ایشان را بیرون بکشیم. از سوی دیگر او راه دستیابی به فلسفه قیام را قرار گرفتن در مسیر نسیم روایات اهل بیت علیهم السلام و افاضه معرفت از سوی خدا بیان کرده است. به اعتقاد اینان حرکت امام علیه السلام نه به قصد حکومت بود و نه برای اتمام حجت بر کوفیان؛ بلکه باید برای این حرکت، علتی فراتر از حساب و کتاب‌های عادی و بشری جست‌وجو کرد.

درباره علم امام به زمان و جزئیات شهادت، آن را پذیرفته، برای توجیه سخن خود در برابر سخن شیخ مفید، تعلیم امام را به خواست او دانسته، که اگر می‌خواست می‌توانست بدانند.

منابع

۱. ارشادی‌نیا، محمدرضا، از مدرسه معارف تا انجمن حجّتیّه و مکتب تفکیک: نقد و بررسی مبانی فکری مدرسه معارف خراسان، انجمن حجّتیّه تفکیک‌گرایان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲. اسفندیاری، محمد، عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین علیه السلام، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.
۳. اصفهانی، مهدی، ابواب الهدی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۷.
۴. اکبری آهنگر، رضا، حقایق پیرامون انجمن حجّتیّه (نه درس‌گفتار در باب تاریخچه‌ها و اندیشه‌ها به ضمیمه متن کامل مناظره رضا اکبری با یکی از سران انجمن)، انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۷.
۵. بنی‌هاشمی، محمد، رمز عاشورا درس بندگی از سیرت حسینی علیه السلام، سعید مقدس، تهران: مرکز فرهنگی و انتشاراتی منیر، ۱۳۹۰.
۶. حلبی، شیخ محمد، تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۲۴۸۹، بی‌تا.
۷. حلبی، شیخ محمود، التوحید والعدل، مشهد: مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۲۴۳۴۹، بی‌تا.
۸. _____، معارف الهیه، مشهد: آستان مقدس رضوی، بی‌تا.
۹. دانش شهرکی، حبیب‌الله و حسن یعقوبی، «عقل از دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی و محمدرضا حکیمی»، عقل و دین، ۱۳۹۶، ش ۱۶.
۱۰. رحیمیان، علیرضا، مسأله قیاس؛ تحلیل کاربرد قیاس در اصول و فروع دین، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۱.
۱۱. صادقی، مصطفی، درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی، دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
۱۲. صالحی آذری، محمد، «جزوه انجمن خیریه یکتا مهدویه»، مشهد: مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ۱۰۷۵۵۷/۱، ۱۳۸۳.
۱۳. علیان‌سب، ضیاء‌الدین، جریان‌شناسی انجمن حجّتیّه، قم: زلال کوثر، ۱۳۸۵.

۱۴. کاشانی، حامد، «عاشورشناسی»، ۱۳۹۷، ۱۹۶۲، <http://www.hkashani.com/?cat=۱۹۶۲>.
۱۵. مرتضوی، سید عباس، علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۶. مشکی، محمد، «بررسی علم امام از دیدگاه شیخ مفید»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۳۸۹، ش ۱ و ۲.
۱۷. نوری، عبدالله، جریان‌شناسی فکری - فرهنگی انجمن حجّتیّه در ایران معاصر، قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵.
۱۸. یزدانی، عباس و محمد کریمی لاسکی، «تحلیل انتقادی دیدگاه مکتب تفکیک در مورد رهیافت عقل‌گرایانه فلسفی به دین»، ادیان و عرفان، ۱۳۹۲، ش ۱.

